

### توحید از دریچه های مختلف

\* مطالعات توحیدی روح ما را بزرگ میسازد

\* شعب توحید

\* خداوند دارای هیچگونه اجزاء خارجی و عقلی نیست

\* \* \*

در محیط زندگی ما هیچ چیز عجیب تر از « نیروی فکر انسانی » نیست این نیرو هنوز بصورت « دژ » مرموزی است که توسط علم فتح نشده است .

و عجیبتر اینکه این فکر قدرت تطبیق فوق العاده ای دارد ؛ یعنی ممکن است گاهی آنقدر کوچک شود که تنها بر محوریک موضوع بسیار جزئی دور بزند ؛ همانطور که میتواند آنقدر انبساط و وسعت پیدا کند که زمین و آسمان را زیر بال و پر بگیرد .

بهین دلیل آنهایی که در محیطهای بزرگ پرورش یافته اند و اندیشه کردن در موضوعات مهمتر و بزرگتر برای آنها عادت شده ؛ با کسانی که در محیطهای کوچک زندگی کرده اند تفاوت محسوسی دارند .

دانشمندان بزرگی که همواره در پیرامون اسرار جهان پنهان و رهنی و عوالم بزرگ اسرار - آمیز آن مطالعه میکنند معمولاً دارای روحی بزرگ ؛ همتی بلند ؛ نظری وسیع ؛ و فکر کنجکاو هستند ؛ یعنی سروکار داشتن با این عوالم بزرگ در روح و فکر آنها تأثیر همه جانبه بخشیده و خاصیت « تطبیق روح » با این موضوع کمک شایانی کرده است .

از اینجا بخوبی روشن میشود که چرا کتاب بزرگ آسمانی ما « قرآن مجید » تأکید میکند که افراد با ایمان بمطالعه اسرار آسمانها و زمین بپردازند ؛ تا فکر بلند خود را تنها در موضوعات کوچکی که محور زندگی مادی روزانه است مجسور و محدود نسازند . این کتاب بزرگ تفکر درباره آسمانها و اسرار آفرینش را نشانه عقل و دانش شمرده و افراد کوتاه بینی را که باین

حقایق بزرگ توجه ندارند ملامت میکنند : **«اولم يتفكر وافي ملكوت السموات والارض وما خلق الله من شيء»** اعراف - ۱۸۴ .

این نکته برای ما بسیار قابل دقت است که در سخنان پیشوای بزرگ اسلام **علیه السلام** میخوانیم : **«لاعبادة كالتفكر في صنعة الله»** ! هیچ عبادتی مانند تفکر کردن در اسرار جهان خلقت نیست ! . دلیل آنهم روشن است زیرا روح عبادت آنست که انسان از آن مقام خود پرستی و خودکامی پائین آید و موقعیت خود را در برابر این جهان بزرگ و آفریدگار این جهان دریابد و خویش را در برابر هستی او ناچیز به بیند و سر بر فرمان او نهد . بهترین راه برای رسیدن باین مقصد همان سیر عقلی و پرواز کردن با بال و پر اندیشه در عرصه این محیط پهناور است .

روی این نظر ما هر چه درباره خداوند یعنی آن سرچشمه بی انتهای عالم هستی بحث کنیم و فکر خود را در اطراف آن حقیقت بزرگ بکار اندازیم ؛ علاوه بر شناسائی آن ذات مقدس به بزرگی روح و فکر خود نیز کمک کرده ایم ؛ بنا بر این ادامه اینگونه بحثها نه تنها جای هیچگونه نگرانی نیست بلکه موفقیت افتخار بزرگی برای ما محسوب میشود .

\* \* \*

### شعبه های توحید

دانشمندان ما «توحید» و یگانگی خدا را با یک معنی وسیع مورد مطالعه قرار داده اند و برای آن چهار مرحله قائل شده اند :

۱ - **توحید ذات** - ۲ - **توحید صفات** - ۳ - **توحید عبادت** - ۴ - **توحید افعال**  
منظور از «توحید ذات» همانست که تا کنون موضوع بحث ما بوده و از راههای مختلف دریافته ایم که خداوند ذاتی است که هیچگونه مثل و مانند و شبیه برای او نیست یعنی « ذاتی است از هر جهت بی نظیر » .

منتها باید توجه داشت که در «توحید ذات» این نکته هم مورد توجه است که ذات خدا علاوه بر اینکه هیچگونه مانند ندارد از هیچگونه اجزائی هم ترکیب نیافته و با اصطلاح از هر جهت «بسیط» است . برای اثبات این معنی ( یعنی منزله بودن از هر گونه اجزاء ) دانشمندان راههای مختلفی را پیموده اند که یک راه روشن آن را در اینجا از نظر میگذرانیم :

اجزاء یا اجزاء خارجی است یا اجزاء عقلی ؛ منظور از «**اجزاء خارجی**» اجزائی است که در خارج وجود دارند و دست بدست هم داده و چیزی را ساخته اند مانند اجزاء یک قطعه زمین که در کنار هم قرار گرفته اند و آن قطعه زمین را تشکیل داده اند ؛ یا اجزاء ترکیبی

يك بدن ؛ یعنی فلزات و شبه فلزات بسیاری که بایکدیگر ترکیب یافته و گوشت و پوست و استخوان و پپی و رگهای يك بدن را ساخته اند . همه اینها را اجزاء خارجی میگویند . منظور از « اجزاء عقلی » اجزائی است که فقط وجود آنها در عالم ذهن است یعنی هنگامیکه يك چیز را مورد تجزیه و تحلیل عقلی قرار دهیم و در لابراتوار ذهن آن را تجزیه کنیم بآن اجزاء میرسیم و الا آن اجزاء هیچگونه وجود خارجی ندارند . مثلاً ما هنگامیکه انسان را مورد تجزیه و تحلیل عقلی قرار دهیم می بینیم از دو حقیقت تشکیل یافته :

۱ - قدر مشترکی که میان او و سایر حیوانات است .

۲ - جهت امتیازی که از سایر جانداران دارد و بآن شناخته میشود . بدیهی است این دو وقت یعنی : جهت مشترک ، و جهت امتیاز ( ما به الاشتراك و ما به الامتیاز ) در خارج از یکدیگر جدا نیستند و هرگز مانع از دستروی قسمتی از بدن انسان بگذاریم و بگوئیم این جهت اشتراکی است که با سایر جانداران دارد ؛ و آن جزء دیگر جهت امتیاز و تفاوت آنها است ، در هیچ آزمایشگاهی نمیتوانیم انسانرا تجزیه کرده و این دو قسمت را از یکدیگر جدا کنیم ؛ از اینجا میفهمیم اینها دو جزء عقلی و ذهنی هستند که هنگام مطالعه انسان و مقایسه آن با سایر جانداران بدست میآید . جهت مشترک که در زبان علمی « جنس » و جهت امتیاز را « فصل » میگویند ( ۱ )

\* \* \*

حالا که بمعنی اجزاء خارجی و عقلی آشنا شدیم اثبات این حقیقت که خداوند هیچگونه جزء خارجی و عقلی ندارد برای ما آسان است و از یک طریق بسیار ساده میتوانیم مقصود خود را پیدا کنیم .

ناگفته پیدا است که اجزاء خارجی همواره محتاج بمکان هستند ؛ اجزائی که يك قطعه چوب را تشکیل میدهد هر کدام محل معینی دارند ؛ همانطور که اجزائی که باهم ترکیب یافته و يك قطره آب یا يك سلول زنده بدن انسان را ساخته اند آنها هم در تشکیل دادن ملکولهای آب و سلول بدن انسان هر يك جای معینی را اشغال کرده اند .

بنابراین وجود اجزاء خارجی همواره محتاج بمکان است و هر مرکب خارجی حتماً جسم است و چون مادر آئنده ثابت خواهیم کرد که خداوند نه جسم است و نه مکان دارد بخوبی میتوانیم دریابیم که چرا خداوند دارای اجزاء خارجی نیست ؛ زیرا او نه جسم است و نه مکان دارد .

اما « اجزاء عقلی » آنهم در ذات خداوند مورد ندارد ؛ زیرا همانطور که گفته شد اجزاء ( ۱ ) باید توجه داشت که جهت اشتراك همیشه بصورت ابهام در ذهن دیده میشود و مانند شیئی است که ما از دور می بینیم و میدانیم جاننداری است اما نمیتوانیم کدام يك از جانداران است ولی جهت امتیاز نقطه روشن و مشخص هر حقیقت است .

عقلی فرع وجود جهت اشراك و جهت امتیاز است؛ باین ترتیب که هر گاه چیزی را با سایر اشیا می‌دانند که با او از جهت شباهت دارند مقایسه کنیم این دو قسمت کاملاً از هم مشخص خواهد شد. ولی ما در مقاله‌های سابق بخوبی دانستیم که خداوند هیچ‌گونه شبیهی و مانند ندارد و وجودی است بینظیر از هر جهت؛ بنا بر این چیزی شبیه او وجود ندارد که با او مقایسه کنیم و جهت اشراك و جهت امتیازی برای او قائل شویم.

خلاصه اینکه تجزیه يك حقیقت بدو جزء عقلی در صورتی است که آن حقیقت شبیه و مانند‌ی (ولو در پاره‌ای از جهات ذاتی) داشته باشد که بملاحظه آن جنبه اشراك آنها را از جنبه امتیازشان در منطقه عقل و ذهن جدا می‌کنیم؛ اما حقیقتی که از هر نظر بی‌مثال است قابل تقسیم با جزاء عقلی نیست.

از مجموع این بحث چنین نتیجه می‌گیریم که خداوند همان هستی و وجود نامتناهی و نامحدودی است که هیچ‌گونه اجزاء خارجی و عقلی ندارد؛ و باین ترتیب از ننگ «ترکیب» که لازمه آن «احتیاج» بیک سلسله اجزاء خارجی و عقلی است منزّه و پاک است. آری همگان با و محتاجند و او بهیچ چیز محتاج نیست.

شرح توحید صفات و «توحید عبادت» را در شماره آینده مطالعه خواهید کرد و خواهیم دید که چگونه: در سایه توحید عبادت می‌توانیم زنجیرهای اسارت و بردگی را از هم پاره کنیم!

## ۱۷ ربیع الاول

عید فرخنده و بزرگی برای مسلمانان بلکه عموم جهانیان است؛ در این روز کودکی چشم بجهان گشود که بزودی انقلاب و تحول عمیق و بی‌نظیری در عالم بشریت بوجود آرد.

این کودک کسی جز پیغمبر بزرگ اسلام (ص) نبود؛ آری همین کودک بود که پس از گذشتن چهل سال از طرف خداوند متعال آئین جاودانی اسلام را که بزرگترین گام بشریت بسوی کمال معنوی و حقیقی بود پی‌ریزی کرد.

این «می‌لاد مسعود» را به‌عنوان مسلمانان جهان تبریک می‌گوییم